

سہم مصحفی ہمدانی در تذکرہ نویسی

اقراء سلیم

پژوہشگر دورہ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

پروفیسور داکتر محمد صابر

دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

Mushafi Hamdani's Contribution to Tazkira writing

Iqra Saleem

PhD Scholare Persian, University of the Punjab, Lahore

Muhammad Sabir, PhD

Professor of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

Ghulam Hamadani Mushafi is mentioned among the poets who left Delhi and settled in Lucknow. He expressed his thoughts on poetry and poetics in his Urdu, Persian tazkiras. Mushafi holds a special importance in the world of Persian Tazkiras because of Eqad-e-Surayya, Tazkira-e-Hindi and Riyaz-ul-Fusaha. Briefly but comprehensively, light will be shed on these tazkiras. "Eqad-e-Surayya" is a tazkira of one hundred and fifty-two and fifteen Persian-speaking poets of Iran and India. It is basically a mention of Persian poets, but it also includes forty-four poets who have tried their hand at both Persian and Urdu. The second "Tazkira-e-Hindi" which includes the accounts and samples of 188 poets and five poets from the era of Muhammad Shah to the era of Shah Alam. The "Tazkira Hindi" mentions Urdu poets. Mushafi mentioned mostly contemporary poets with whom he was well acquainted. This third and last mention of Riyaz-ul-Fusaha Mushafi is also in Persian. This mention contains the status and poetry of 322 poets, but the number of poets in both Persian and Urdu languages is two hundred and better (272) and the number of Persian poets is only thirty-seven. Apart from these two, there are thirteen poets whose poetry is included in both Urdu and Persian.

Keywords:

Eqad-e-Surayya, Tazkira-e-Hindi, Riyaz-ul-Fusaha, Mushafi Hamdani, persian Tazkiras, Urdu and Persian Poets.

غلام همدانی مصحفی غیر از دواوین، سه تذکره فارسی نیز نوشته است-
عقد ثریا(ت:۱۱۹۹ق) تذکره فارسی گوین، تذکره هندی(ت:۱۲۰۹ق) تذکره
شعراى اردو است، ریاض الفصحا مشتمل بر ۳۵ فارسی گو و ۱۲ فارسی و اردو
گو است- این هر سه تذکره به زبان فارسی نوشته شده و با مقدمه مشترک
مولوی عبدالحق به چاپ رسیده و در این سه تذکره مصحفی مقایسه شعر
شهرت کم نیافته است-(۱)

تذکره عقد ثریا:

عقد ثریا اولین تذکره غلام همدانی مصحفی است که مشتمل بر احوال
۱۵۲ شاعر فارسی و کلام ایشان است- عقد ثریا که در آن شاعران از عهد محمد
شاه فردوس آرام گاه سال جلوس از ۱۱۳۱ق/۱۷۱۹م-۱۱۶۱ق/۱۷۴۸م تا آوان
دولت شاه عالم سال ۱۷۵۹ق/۱۷۷۳م-۱۲۲۱ق/۱۸۰۶م شرح داده است- مصحفی
این تذکره را به اشارت میرزا محمد قتیل (ز:۱۹۱۹م-۲۰۰۱م) نوشته است- وی
در مقدمه آن را شرح زیر توضیح می دهد:

مرزا محمد حسن قتیل---در ایامی که مجلس مشاعره به فقیر خانه زینت
انعقاد داشت، از ساحت لشکر نواب ذوالفقار الدوله بهادر به شاه جهان آباد گذر
افگند---چون مرزای مزبور سیاحت کرده در مجلس وضع و شریف رسیده، نظم و
نثر از اشعار و احوال معاصرین جسته بر بیاض خاطر خود منقوش داشت- روزی
این رطب و یا بس را به نظر قبول من زیبا نموده، فسون تالیف تذکره معاصرین
بگوشم دمیده، اسامی چند از آن ها به قلم تحریر من در آورده و مسوده احوال
بعضی را بر بیاض مختصری به دست من نویساینده، یاد آوردن یاران و دوستان
به یادم داد--- تن تنها قدم در بادیه تردد و تلاش اشعار و احوال سخن سنجان
عهد فردوس آرام گاه و معاصرین خویش عهد شاه عالم پادشاه---مسوده
سرگذشت هر یک را از زنده و مرده بر پاره کاغذ می نگاشتم-(۲)

مصحفی در دیباچه شرح داده است که این تذکره در سال ۱۱۹۹ق به

پایان رسید:

در یک هزار و یک صد و نود و نه این تذکره عجیبه---صورت اختتام

پذیرفته و قطعه تاریخ هم درج است:

دست کاری معمار طبع از صنع من

باصد هزار صورت رنگین و خوشنما

این روضه شد چو ساخته چون روضه بهشت

تاریخ یافت خامه "زهی باغ صفا" (۳)

اگرچه عقد ثریا از شاعران فارسی زبان نام می برد- اما شامل ۴۴ شاعر نیز می شود که هم به زبان فارسی و هم به زبان اردو دست یافته اند- بنابراین ذکر می تواند در مطالعه زندگی شاعران اردو زبان نیز مفید باشد- مصحفی با اکثر شاعران مستقیما آشنا بود- می توان گفت که مصحفی درباره آنها را قابل اعتماد می دانست- مصحفی داستان زندگی همه شاعران را به تفصیل ارائه نکرده است، اما شاعرانی را که از نظر او به نوعی مهم بوده اند، توصیف کرده است- احوال زندگی آنها تا آنجا که او می دانست شرح داده است- در میان سایر اشارات به شاعران فارسی زبان، تمایز (عقد ثریا) این است که مصحفی علاوه بر ذکر به آن شکل زندگی نامه نیز داده است- (۴) او در مقدمه نوشته است:

این تذکره عجیبه که گویا فی الحقیقت بیاض است- (۵)

قایم چاند پوری (ز: ۱۷۲۲-۱۷۹۳م) را شامل تذکره کرده نوشت:

و چون این تذکره را ماهیت بیاض هم است- (۶)

مولوی فخر الدین را مورد شامل تذکره نوشته است که ایشان در کمالات اظهار کمال شاعری نبوده، لذا تخلص نگذاشته به طور بیاض به تحریر می آید (۷)- به خواندن این عبارت ها، مشخص می شود که تفاوت بیاض و تذکره از نظر مصحفی این است که بیاض می تواند شامل شعر از هر نوع و هر عصری باشد- شعر شاعر که حتی تخلص هم نداشته و گاه گاهی برای تفنن طبع چند تا شعر سروده باشد نیز می تواند در تذکره گنجانده شود- در حالی که تذکره فقط می تواند شامل شعر و احوال شاعران معمول عصر یا دوره ای باشد که تذکره برای آن نوشته می شود- قایم چاند پوری هیچ دیوان فارسی ندارد و کلامش به فارسی خیلی کم است- اما به دلیل جایگاه بیاض عقد ثریا مصحفی، قایم را در تذکره آورده است- به همین ترتیب مولوی فخرالدین (ز: ۱۱۲۶ ق- ۱۱۹۹ ق) که معلم و مربی مصحفی است و شعر بسیار کمی دارد، به دلیل جایگاه بیاضش در پایان تذکره شامل کرده است- بنابراین مصحفی عقد ثریا را تذکره عجیبه و بیاض می نامد- مصحفی در آمادگی این تذکره استفاده از بیاض قتیل و یادداشت های وی کرده است- اظهار آن در تذکره هندی هم کرده است- چنان چه اشعار فارسی اش پیش فقیر در شاه جهان آباد به وساطت مرزا قتیل رسیده بودند (۸)- به علاوه این تذکره، غلام علی آزاد بلگرامی (ز: ۱۷۰۴-۱۷۸۶م)، خزانه عامره و

تذکره واله داغستانی، ریاض الشعراء هم استفاده کرده است-، مواد یدبضا و سرو آزاد هم در آن دیده می شود- یک ویژگی این تذکره این است که مصحفی سنین تولد و وفات هم درج می کند(۹)- از خواندن عقد ثریا معلوم می شود که مصحفی سعی کرده است که سبک خاص نگارش با زیبایی و ظرافت استفاده می کند- وی همچنین به خوبی از ایجاز و اختصار و کفایت لفظی استفاده می کند- وی برای ایجاد شگفتگی، روانی و جذابیت، جملات مقفی و مسجع را نیز به وفور نوشته است، اما هیچ اثری از تصنع و تکلف در آن دیده نمی شود- این ویژگی عقد ثریا را می توان از مثال های زیر تخمین زد- به این عبارت مقدمه مراجعه کنید-

"اما بعد بر ره نوردان مراحل معنی و منزل شناسان طریق نکته
دانی پوشیده مباد که این کوچه گرد---کلام موزون خود را که
غلام همدانی نام دارد-

هر گاه این مجموعه دل نشین به چشم کهین و مهین رنگین نو
آیین نمود، به عقد ثریا موسومش ساختم و آتش رشک ازین
شرر پاره ها در جان حسودان انداختم"(۱۰)

در ترجمه شاعران جملات مقفی و مسجع به طور خود جوش توسط قلم او بیان شده است:

آرزو در سنه یک هزار و یک صد و یک از مکمن بطون قدم به کارگاه
ظهور گذاشته و اوقات عزیز را به تحصیل علوم متداوله مصروف داشته-
از مطالعه عقد ثریا نشان می دهد که مصحفی قدرت بر زبان فارسی و
بلاغت نیز داشت- مصحفی در تذکره هندی گفته است که در محبت بزرگان وی
اول تحصیل نظم و نثر فارسی فراگرفت و محاورات و اصطلاحات را آموخته است،
در ریاض الفصحا همان طور می گوید-
گویم به توکه تکمیل فارسی و نظم و نثر آن به شاه جهان آباد در سی
سالگی به خوبی میسر آمده بود-

به همین ترتیب او همچنین نوشته است که من کتابی در مورد
اصطلاحات فارسی، یک کتاب شعر مفید تالیف کرده ام و از این طریق خواهید
فهمید که جایگاه من در دانش فارسی چیست و تمام شرینی شعر من به خاطر
زبان فارسی است با توجه به مطالعه به همین ترتیب عقد ثریا به نظر می رسد-
این ادعاهای مصحفی نادرست- در این تذکره مصحفی در بعضی جاها واژگان

هندی به کار برده است در میدان تذکره نگاری اولین کاوش مصحفی عقد ثریا است (۱۱)- چهار تا نسخه های قلمی عقد ثریا تا هنوز به دست می آید:

(۱) نسخه کتاب خانه رضا، رام پور (یو- پی)-

(۲) نسخه قلمی ذخیره منیر عالم، مملوکه کتاب خانه مولانا آزاد، دانش گاه مسلم، علی گر-

(۳) نسخه خدا بخش اورینتل پبلک کتاب خانه، پتنه، (بهار)-

(۴) نسخه برتش، موزه لندن-

نسخه مطبوعه عقد ثریا در سال ۱۹۳۴ق مرتبه مولوی عبدالحق (ز: ۱۸۷۰م-۱۹۶۱م) اساس آن بر نسخه کتاب خانه خدا بخش، پتنه است- طبع دوم عقد ثریا در سال ۱۹۷۸م به توسط انجمن ترقی اردو، پاکستان به وجود آمد (۱۲)-

مصحفی سال اختتام عقد ثریا داده است اما هیچ جای نگفت که آغاز این تذکره کی شد؟ از گواه درونی این حدیث به دست می آید که آغاز این در سال ۱۹۴ق یا پیش از آن شده بود- برخی از نظرات در مورد شاعران قابل توجه و جالب است که تصویری از روش مصحفی ارائه می دهد- به عنوان مثال: در مورد میر محمد حسین کلیم نوشته شده است که در زبان ریخته تالیفات جید دارد (۱۳)-

• درباره بیدل نوشته است: که الحق شخصی پهلوان سخن بود (۱۴)-

• درباره سلام الله خان تسلیم نوشته است که: وضع خواندن شعرش بر گفتن غالب افتاده (۱۵)-

• درباره محتشم خان حشمت نوشته است که بر فضایل باطنی و جاهت ظاهری زاید بود (۱۶)-

• درباره فتوت می گوید که زبان قدما و درد آمیز را دوست ندارد (۱۷)-

در مورد مکین گفت که مزاجش به تحقیق لغت و صحت الفاظ و مستحضر داشتن عروض و قوافی بیشتر مصروف است و شعر به درجه اوسط درست بسته می گوید، البته شخصی بزرگ و محقق است (۱۸)-

پیش از مصحفی هیچ ارائه خاصی درباره میر نداده است، می گوید:

در فن شعر ریخته مرد صاحب کمال است که مثل او از خاک هند دیگری سر بر نیاورده، چرخ پیر را سالهای دراز چرخ باید زد که همچو شخصی را بروی کار آرد---و از بسکه ابنای زمانه کسی را مخاطب صحیح نمی پندارد، سخن بهر کس و ناکس نمی کند- ازین جهت اعزه او را کج خلق و بر خود غلط و انصاف دشمن قرار می دهند- جالب این جا است که احوال برخی از شاعران پس از تکمیل

تذکره، مانند احوال پندت بدھا دھریا فصیح شاگرد مرزا محمد حسن قتیل به قول مصحفی در یک هزار و دویست و دوازده هجری داخل تذکره کرده شد (۱۹)۔ احوال کرپا دیال کنورسین مضطر در سال ۱۲۱۳ق گنجانده شده است (۲۰)۔ درباره خواجه میر درد (ز: ۱۷۲۰م-۱۷۸۵م) نوشته چند تا سال شده که فوت کرد، سال وفات درد ۱۱۹۹ق است۔ ترجمه اش چند سال پس از تکمیل تذکره گنجانده یا اصلاح شده است۔ با توجه به همه این دلایل، عقد ثریا منبع مهمی از تاریخ ادبی ما است (۲۱)۔

تذکره هندی:

پس از تکمیل عقد ثریا مصحفی مایل به تذکره هندی شد۔ مصحفی نوشته است: از تصنیف دیوان فارسی و هندی و تالیف تذکره فارسی فراغت حاصل کرده مهم تالیف تذکره هندی در پیش آمد (۲۲)۔

گویا در سال ۱۲۰۰ق آغاز تذکره هندی نمود، به عنوان مثال:

۱- در ذیل احقر و خاکسار نوشته شده است که میر حسن را سلمه الله تعالی نوشته شده است۔ گویی زمانی که این متن نوشته شده، میر حسن زنده بوده است۔ میر حسن در ده روز اول ماه اول در سال ۱۲۰۱ق در گذشته است۔ از این نتیجه بر می آید که ترجمه میر حسن پیش از مرگ وی نوشته شد در این بیان مثنوی "سحر البیان" (ت: ۱۸۰۳م) هم آمده است (۲۳)۔

۲- در ذیل حاتم نوشته شده است که سه سال است که در شاه جهان آباد گذشته، سال وفات حاتم ۱۱۹۷ق است۔ گویا احوالش تا سال ۱۲۰۰ق داخل تذکره کرد۔

۳- میر درد نوشت: یک سال است که درد مهجوریش شفا یافته و به شافی علی اخلاق واصل گشته، سال وفات درد سال ۱۱۹۹ق است گویا احوالش هم در ذیل خواجه سال ۱۲۰۰ق نوشت (۲۴)۔ این شواهد نشان می دهد۔ مصحفی این تذکره را دو سال بعد از آمدن به لکهنو، در سال ۱۲۰۰ق نوشت و چنان که از دو قطعات تاریخ آشکار است که سال آخرین این یک هزار و دو صد و نه هجری است۔ از دفتر بی نظیر سالش ۱۲۰۹ق معلوم می شود (۲۵)۔ بر اساس متون تذکره هندی، درست است که مصحفی آن را در سال ۱۲۰۰ق در لکهنو آغاز نمود، اما پس از چاپ نسخه تذکره هندی نسخه ندوة العلماء حقایق جدید آشکار می شدند که آغاز تذکره هندی در دهلی شده بود۔ نسخه ندوة العلماء لکهنو در زمان شاه حاتم نوشته شده و بعداً به صورت با فقیر آشناست، حق

تعالی سلامتیش دارد- این نشان می دهد که شاه حاتم هنگام نگارش این متن زنده بود- در سال ۱۱۹۷ق وفات یافت- در سال ۱۱۹۸ق به لکهنو آمد- مصحفی آن وقت در دهلی بود گویا عبارت این درباره شاه حاتم پیش از آوردن به لکهنو نوشته شد- از این نتیجه شد که آغاز تذکره هندی در دهلی پیش از وفات شاه حاتم شده بود و مصحفی با عقد ثریا جمع آوری مطالبی برای تذکره هندی نسخه خام آماده کرد، وقتی که به لکهنو رسید و عقد ثریا را به پایان رساند و تذکره هندی را در سال ۱۲۰۰ق آغاز نمود- مصحفی خاطرات خود را با زبانی واضح و سر راست می نویسد، از تحریف تصنع بازی استفاده نمی کرد، بی جهت طولانی نمی کشد- موقعیت هایی را که هر کسی از آنها خبر داشت به طور خلاصه و واضح می نویسد- در متن موقعیت ها وی همچنین وضعیت شعر و نشیب و فراز ادبیات اردو می داند- به عنوان مثال در ذکر حاتم، به زبان وی دیوان ولی به شاه جهان آمدن، بحث آن میان مردم، پایه گذاری شعر اردو براساس فرض برخی از شاعران در چند سطر شرح داده شده است- وی تذکره های خود ارائه درباره شاعران می نویسد، اما حیثیت تنقیدی اش کمتر است- درباره بعضی شاعران ارائه های مصحفی اهمیت ویژه ای دارند به عنوان مثال در تذکره سودا یک صفحه ننوشته است، اما در واژگان مختصر کمال تصویر شخصیت و سیرتش کشیده است- پس به ایرادات نوشته است: غرض هرچه بود، در روانی طبع نظیر خود نداشت و در آخر می گوید:

نقاش اول قصیده در زبان ریخته اوست، حالا هر که گوید پیر و تتبعش خواهد بود-

درباره مظهر جانان می گوید:

در دور ایهام گویان اول کسی که شعر ریخته به تتبع فارسی گفته اوست و در آخر می نویسد:

فی الحقیقت نقاش اول ریخته باین و تیره به اعتقاد فقیر مرزاست، بعده تتبعش به دیگران رسیده-

درباره میر گفته است: غرض هر چه هست استادی ریخته برد مسلم است---همه ریخته گویان هند سند از کلامش می آرند و او را در این فن مستثنی می دانند و الحق چنین است-

مصحفی اولین کسی است که ستایش مثنوی میر حسن کرده است- در مثنوی که سحر البیان نام دارد، یدبیضا نمود- الحق که کار کار اوست- قطع نظر

از بلاغت شاعری زبانش بسیار بامزه و شیرین و عالم پسند افتاده، به متعلق کلام هم عصران ارائه راست دادن آسان نیست و به طور خاص مردم که از آن آویزش و چشمکش شده باشد- درباره مثنوی شیر برنج انشاء می نویسد- بسیار به صفا گفته و داد فصاحت زبان فارسی در او داده- درباره کلام اردو وی نوشته است: اگرچه همه کلامش در عالم ظرافت، خالی از کیفیتی نیست اما آنچه از اشعار ساده اش انتخاب فقیر افتاده ای نیست-

آتش (ز: ۱۷۷۸م-۱۸۴۷م) شاگرد وی بود، درباره اش می گوید: اگر عمرش وفا کرد و چندین سال بر همین و تیره رفت و فکر متینش را مانع در پیش نیاید یکی از بی نظیران روزگار خواهد شد- رنگین (ز: ۱۷۵۷م-۱۸۳۵م) هم شاگرد وی بود چه قدر خوب گفته است: هر چند چندان بهره از علم ندارد اما ذکاوت طبعش بر صاحب علم غالب- درباره دیوان رنگین گفت:

کلامش بسیار کم اصلاح بر آمده، چون مزاجش عشق باز افتاده، اکثر قطعه های خوب و غزل و نامه های نغز به سلک نظم کشید- درباره ناسخ می گفت:

تلاش های معانی تازه می کند، در جای دیگر نوشت: به معنی بندی تازه علم استادی برافراشته، اما مصحفی شعر که در آن معنی بندی و شعر خیالی زیادی باشند، دوست نداشت (۲۶)-

مطالعه تذکره هندی نیز نشان می دهد که مصحفی بیشتر بر عقاید تاکید دارند تا موقعیت ها، آن ها اغلب به تفصیل تحت نظر شاعرانی کار می کنند که با آن ها بیشتر آشنا هستند- مانند: شاه حاتم، میر حسن، قایم چاند پوری، امیر، تسلی، صبا، رنگین، خلیق، منتظر و غیره عقاید آن ها اغلب متعادل است- نوشته های آن ها نه به تندی تذکره میر است و نه به مدحت میر حسن، سبک روایت آن ها نیز رنگارنگ نیست، اما در زبان امروز می توان آن را ساده نامید- مطالعه ای این تذکره همچنین تصویری از محیط و فضای فرهنگی آن زمان ارائه می دهد و جشنواره ها و تظاهرات شعری فراوانی را که خود مصحفی در آن ها شرکت می کردند، آشکار می کند-

در تذکره هندی برخی اطلاعات نادرست گنجانده شده است، به عنوان مثال، نام جوشش محمد عابد گفته است- اگرچه محمد عادل دل بود و این اشتباه را مصحفی در تذکره ریاض الفصحا درست کرده ترجمه جوشش بار دیگر

ترجمه شامل کرده است و نام جوشش، محمد روشن نوشته است (۲۷) و ترجمه محمد عابد علیحده نوشته است (۲۸). از هجو سودا اثر یافته، وی را بقال بچه گفته است. در طبقات سخن مبتلا که با فدوی مراسم دوستانه بود. آن را مغل زاده گفته است و ذکر جای وفات وی بریلی کرده است (۲۹).

ریاض الفصحا:

ریاض الفصحا سومین تذکره مصحفی است. مانند عقد ثریا و تذکره هندی، این کتاب نیز به زبان فارسی است و به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. ریاض الفصحا به طور اساسی تذکره شاعران اردو است. اما مصحفی شاعران فارسی وارد و نیز که احوال شان یا شعر در زمان تکمیل عقد ثریا و تذکره هندی در دسترس نبود، مانند میر سجاد که در تذکره هندی چاپ شده ذکر وی نیست. همان طور که از نخستین مسوده تذکره هندی معلوم می شود که حالا به نام تذکره الشعراء به چاپ رسیده است (۳۰).

مصحفی احوال سجاد نوشته بود، اما به دسترس نبودن اشعارش، هنگام تکمیل تذکره هندی آنها را حذف کرده بود. وقتی اشعار وی بعداً در دسترس قرار گرفت، ترجمه آنها همراه ۳۴ شعر در ریاض الفصحا گنجانده است. همین در مورد برخی از شاعران زبان فارسی که فراهم نبودن، احوال و به علت عدم آشنایی امکان ثبت آنها در عقد ثریا وجود نداشت. برای این ریاض الفصحا تکمله تذکره عقد ثریا و تذکره هندی است. مصحفی در این تذکره شاعر نوجوان را شامل کرده است که نزد ۷۰ از آن شاگرد وی بودند. اکثر از آنها ۱۹ و ۳۰ سالگی بودند.

17 سبب تالیف جلد آن است که روزی نظر بر کثرت موزون طبعان حال کرده به خاطر گذرانیدم که اگر یک تذکره تالیف نمایی اغلب که اسامی این گروه نیز حروف تهجی را وفا کند، این بگفتم و کمیت قلم را در عرصه تحریر احوال و اشعار شعرا جولان دادم. سال ۱۲۲۱ ق برای مصحفی به تعلق دو تذکره اولش از اهمیت بالایی برخوردار بود و به همین دلیل مصحفی ریاض الفصحا را در آن سال آغاز کرد. همان طور که عقد ثریا بر نهضت مرزا قتیل و تذکره هندی بر نهضت میر خلیق (ز: ۱۷۶۶م- ۱۸۴۴م) نوشته شده بود، همان طور تذکره ریاض الفصحا نیز بر نهضت لاله چینی لاله حریف نوشته است. مصحفی نوشته است: این تذکره لاله چینی لال حریف که آغازش به تکلیف مومی الیه بود، چنین یافته-

صد شکر که این ذخیره اهل سخن
شد انجمن سپهر را شک افزا
از خامه فکر خود بر آورده حریف
سال تاریخ او ریاض الفصحا(۳۱)

تعداد شاعران این تذکره ۳۲۱ است که از این تعداد ۱۱۲ شاعر به زبان فارسی و اردو، هر دو زبان شعر می گفت و دیگر شاعران اردو اند- ۹۵ شاعر چنان وجود دارند که احوال شان به دست نمی آیند، فقط اسم و تخلص شان نوشته است یا واژه "خبر ندارم" نوشته شعر چندین آنها درج کرده است- بعضی شاعر که در تذکره هندی آمده اند- سپس در ریاض الفصحا شامل کرده است به عنوان مثال: درباره میر سعادت علی تسکین نوشته است: دو شعر ایشان حسب اتفاق در تذکره هندی اول به قلم آمده بودند آن روزها این قدر نشوونما نمی داشت- حالا که صاحب دیوان شده و سپس انتخاب دیوانش شامل کرده است- ویژگی این تذکره است که مصحفی عمر اغلب و بیشتر شاعران نوشته است که از آن درباره زمانش معلوم می شود- بررسی این تذکره همچنین نشان می دهد که مصحفی با موزونی طبع، حصول علم و هنر را اهمیت ویژه ای می داد- وقتی که تایب علم لازم آموخت، او را به شاگردی خود پذیرفت- مصحفی نوشته است:

ایما به تحصیل علم کرده بود(۳۲)- در ذیل حاجب نوشته است:
با وصف کم علمی در گفتن قصاید و مقطعات ید طولی داشت(۳۳)-
در ذکر راحم نوشته است:

از سرشته شعر و شاعری چندان واقف نیست(۳۴)-
درباره زور نوشت: با وصف بی علمی آنچه موزون می کند دریافت
نظمش خلل بسیار کم یافته می شود(۳۵)

در این تذکره مصحفی شاگردان خود آتش، اخگر، حریف، حباب، ذوق، رعنا، زیبا، زلال، سامان، سپند، شمیم، شادان، شکیب، شعور، طپان، ظهور، ظریف، غافل، مسرور، نظر، هوس را اهمیت ویژه ای داده است، نه فقط خبرهای لازم بلکه انتخاب کلامشان هم درج کرده است- به وسیله این تذکره وی شاگردان خودش را ظاهر می نمود- مصحفی در سبک خاص در این تذکره درباره شاعر که شاگرد کیست، عمرش چیست و شعرش چه طور اند و سخن جالب درباره وی گفته است و به آخر انتخاب کلامش می داد که خواننده از آن لطف ببرد- از مطالعه ریاض الفصحا مشخص می شود که شعر جدید آن دور در "معنی

بندی" در حال پیشرفت بود و بیشتر شاعران نسل جدید از این سبک تقلید می کردند و این رنگ مصحفی دوست نداشت- در ذیل شیخ محمد بخش واجد نوشته است:

هدایت شعرش علی الرسم زمانه بود- آخر به طور شوکت بخاری سمند خیالش به طرف معنی بندی و نازک خیالی عطف عنان نموده، در آن زمان دو طرز شاعری رایج بودند- یک سبک عاشقانه و دیگر سبک معنی بندی، مصحفی سبک عاشقانه را دوست می داشت و رنگ دیگر معنی بندی را تلاش معنی بیگانه می دانست(۳۶)- در این تذکره مصحفی چند تا مضامین که در مجمع الفواید شامل اند، ذکر کرده است- مصحفی می گفت در وی دو نقص بود، یک آن عربی نمی دانست و از مولوی مستقیم سکنه گویامئو آموخته بود و نوشته است:

غرض آخر عمر از فضل الهی به عربیت و تفاسیر قرآن مجید مایه بهم رسانیدم که تصنیف دیوان عربی را اراده می کردم و نقص دیگر آن که وی آشنایی از علم عروض و قافیه نداشت و بعد از مطالعه چند روز آن را هم آموخت و در این هنر یک رساله خلاصه العروض هم نوشته بود که در مجمع الفواید وجود دارد-(۳۷) دکتر حنیف نقوی درباره این تذکره نوشته است:

زبان سلامت و سادگی ---- در این تذکره به درجه اتم وجود دارد- غزل و شعر هم طرح مصحفی بیشتر نقل کرده است که به وسیله آن مشاعره های طرحی مختلف آن زمان دریافت می شود و زمانه تالیف و تعیین به آسانی دست می آید- عمر شاعران و رهبران مشاعره درباره عرصه مشق در این منزل بیانات تحقیق رهبر ما هستند(۳۸)- مولوی عبدالحق، ریاض الفصحا را بر اساس نسخه خطی موجود در کتاب خانه خدا بخش، پتنه گرد آوری و با نام انتشارات مطبوعات انجمن ترقی اردو شماره ۸۸، تحت زیر جامع برقی پریس دهلی در سال ۱۹۳۴م، به چاپ رسیده است- نسخه عکسی آن از اکادمی اردو لکهنو، اترپردیش در سال ۱۹۸۵م جاری شد-

ریاض الفصحا سندی درباره شاعران این دوره است که آگاهی روش آن زمان، خلق و خو، گرایش های نو و جدید می شود- اگر این تذکره نشود، دانش ما درباره شاعران این دوره ضعیف می ماند- این سه تذکره مصحفی امروزه در تاریخ ادبیات اردو و از اهمیت فوق العاده ای است-



حوالہ جات

۱. شکیب، شبیر علی خان(۲۰۰۵م)، مصحفی لکھنو می، مرتب: احمد، نذیر، شیخ غلام ہمدانی(تحقیقی و تنقیدی جائزے)، غالب انستی تیوت، عزیز پرنٹنگ پریس، نئی دہلی، ص ۱۲۱۔
۲. مصحفی(م۲۰۱۴)، تذکرہ عقد ثریا، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۳۸۔
۳. همو(۱۹۳۴م)، تذکرہ عقد ثریا، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۳۔
۴. همو(۲۰۱۴م)، تذکرہ عقد ثریا، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۴۲۔
۵. همو، ص ۴۳۔
۶. همو، ص ۴۶۔
۷. همو، ص ۶۳۔
۸. مصحفی(۱۹۳۳م)، تذکرہ ہندی، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۴۶۔
۹. جالبی، جمیل(۲۰۰۶م)، تاریخ ادب اردو، جلد سوم، باب چہارم، مجلس ترقی ادب، لاہور، ص ۱۹۸-۱۹۹۔
۱۰. مصحفی(۲۰۱۴م)، تذکرہ عقد ثریا، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۵۸۔
۱۱. همو، ص ۵۹-۶۰۔
۱۲. همو، ص ۶۱۔
۱۳. علی لطف، مرزا(۱۹۰۶م)، گلشن ہند، مطبع دارالاشاعت حیدرآباد، پنجاب، رفاہ عام اسٹیم پریس، لاہور، ص ۱۳۔
۱۴. مصحفی(۲۰۱۴م)، تذکرہ عقد ثریا، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۱۶۔
۱۵. همو، ص ۱۸۔
۱۶. همو، ص ۲۱۔
۱۷. همو، ص ۴۴۔
۱۸. همو، ص ۵۳۔
۱۹. همو، ص ۴۵۔
۲۰. همو، ص ۵۷۔
۲۱. جالبی، جمیل(۲۰۰۶م)، تاریخ ادب اردو، جلد سوم، باب چہارم، مجلس ترقی ادب، لاہور، ص ۲۰۱۔
۲۲. مصحفی(۱۹۳۳م)، تذکرہ ہندی، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد(دکن)، دہلی، ص ۳۔

۲۳. همو، ص ۲۱-
۲۴. همو، ص ۹۳-
۲۵. جالبی، جمیل (۲۰۰۶م)، تاریخ ادب اردو، جلد سوم، باب چہارم، مجلس ترقی ادب، لاہور، ص ۲۰۲-
۲۶. مصحفی (۱۹۳۳م)، تذکرہ ہندی، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد (دکن)، دہلی، ص ط، ق، ی-
۲۷. همو (۱۹۳۴م) تذکرہ ریاض الفصحا، بہ کوشش مولوی عبدالحق، انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، اورنگ آباد (دکن)، دہلی، ص ۱۶۸
۲۸. همو، ص ۹۲-
۲۹. محی الدین، غلام، مخطوطہ برلن، عکسی نقل مملوکہ دکتہ جمیل جالبی-
۳۰. مصحفی (۱۹۸۰م)، تذکرہ الشعراء، مرتبہ: اکبر حیدر کاشمیری، محمدی پبلشرز، لکھنؤ، ص ۱۶۳-
۳۱. همو، ص ۳-
۳۲. همو، ص ۶۲-
۳۳. همو، ص ۸۵-۸۶-
۳۴. همو، ص ۱۰۹
۳۵. همو، ص ۱۰۰
۳۶. جالبی، جمیل (۲۰۰۶م)، تاریخ ادب اردو، جلد سوم، باب چہارم، مجلس ترقی ادب، لاہور، ص ۲۰۷-۲۱۰-
۳۷. مصحفی (۱۲۲۹ق)، مجمع الفوائد (قلمی)، مخزونہ پنجاب یونیورسٹی لائبریری، ذخیرہ کیفی، لاہور-
۳۸. نقوی، حنیف (۱۹۹۸م)، تذکرہ های شعرای اردو، اردو اکادمی اتر پردیش، لکھنؤ، ص ۴۹۱-

REFERENCES

1. Shakeeb, Shabbir Ali khan, Mushafi In Lucknow, Edit by Ahmad, Nazir, (New Delhi: Ghalib Institute, Aziz Printing Press,2005), p.121.
2. Mushafi, Tazkira Eqad-e-Suraya, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,2014), p.38.
3. ibid, Tazkira Eqad-e-Surayya, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,1934), p.3.
4. ibid, Mushafi, Tazkira Eqad-e-Surayya, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,2014), p.42.
5. ibid, p.43.
6. ibid, p.46.
7. ibid, p.63.
8. Mushafi, Tazkira-e-Hindi, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,1933), p.46.
9. Jalibi, Jameel, Tarikh-e-Adab Urdu, (Lahore: Majlis-e-Taraki-e-Adab, Urdu,2006), vol:3, p.198-199.

Oriental College Magazine, Vol.102, No. 01, Serial No. 383, 2025

10. Mushafi, Tazkira Eqad-e-Surayya, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,2014), p.58.
11. ibid, p.59-60.
12. ibid, p.61.
13. Ali, Lutf Mirza, Gulshan-e-Hind, (Lahore: Rafah Aam Asteem Press, Darul Ishaat, Haidarabad,1906), p.13.
14. Mushafi, Tazkira Eqad-e-Surayya, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,2014), p.16.
15. ibid, p.18.
16. ibid, p.21.
17. ibid, p.44.
18. ibid, p.53.
19. ibid, p.45.
20. ibid, p.57.
21. Jalibi, Jameel, Tarikh-e-Adab Urdu, (Lahore: Majlis-e-Taraki-e-Adab, Urdu,2006), vol:3, p.201.
22. Mushafi, Tazkira-e-Hindi, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,1933), p.3.
23. ibid, p.21.
24. ibid, p.93.
25. Jalibi, Jameel, Tarikh-e-Adab Urdu, (Lahore: Majlis-e-Taraki-e-Adab, Urdu,2006), vol:3, p.202.
26. Mushafi, Tazkira-e-Hindi, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,1933).
27. ibid, Riyaz-ul-Fusaha, Edit by Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab,1934), p.168.
28. ibid,92.
29. Mahiyuddin, Ghulam, Manuscript Barlan, photocopy published: Dr. Jameel Jalibi.
30. Mushafi, Tazkira Shura, Edit by Akbar Haidar Kaashmiri, (Lucknow: Muhammadi Publishers,1980), p.163.
31. ibid, p.3.
32. ibid, p.62.
33. ibid, p.85-86.
34. ibid, p.109.
35. ibid, p.100.
36. Jalibi, Jameel, Tarikh-e-Adab Urdu, (Lahore: Majlis-e-Taraki-e-Adab, Urdu,2006), vol:3, p.207-210.
37. Mushafi, Majama-ul-Fawaid (Manuscript), (Lahore: Punjab University,1229).
38. Naqvi, Hanif, Tazkiras Urdu Poets, (Lucknow: Uttar Pradesh, Academy Urdu,1998), p.491.

